

## تنظیمات در عثمانی و تأثیر آن بر امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله<sup>۱</sup>



مسعود عرفانیان<sup>۲</sup>

### چکیده

تنظیمات، جنبش اصلاحات در حکومت عثمانی در یک دوره چهل ساله است. میرزا محمدتقی خان امیرکبیر در زمان حضور خود در عثمانی فرصت یافت تا از نزدیک شاهد دگرگونی‌ها در آنجا باشد. پس از مرگ امیر، نزدیک به دو دهه تاریخ دیگر با صدارت میرزا آقاخان نوری بر ایران گذشت و آنگاه نوبت به میرزا حسین خان سپهسالار رسید. او که مدت ۱۲ سال در سفارت ایران در عثمانی به عنوان وزیر مختار خدمت می‌کرد از نزدیک دگرگونی‌های سیاسی - اجتماعی را در عثمانی مشاهده نمود. افزون بر آن، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله نیز یکی دیگر از رجال نواندیش ایرانی است که از دگرگونی‌های دوران تنظیمات در عثمانی تأثیر پذیرفته است.

این هر سه سیاستمداران برجسته ایرانی در زمان اقامت خود در عثمانی دگرگونی‌های دوران تنظیمات در آن کشور را از نزدیک دیده، با آن آشنا شده و از آن تأثیرپذیرفته اند. در این نوشتار پس از بررسی نوشته‌های منابع در این زمینه به نقد و ارزیابی آن‌ها پرداخته و با روش تحلیلی و انتقادی، چگونگی و میزان تأثیر پذیرفتن آنان از دگرگونی‌های دوران تنظیمات مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### واژگان کلیدی:

ایران، عثمانی، تنظیمات، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله.

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۹/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۲/۲

E-mail: m-erfanian1206@yahoo.com

<sup>۲</sup> پژوهشگر تاریخ

## مقدمه

تاریخ روابط میان دو کشور ایران و ترکیه را تنها پیکارها، درگیری‌های مرزی و اختلافات بر سر خاک تشکیل نمی‌دهد، بلکه مشترکات فرهنگی و تمدنی در مناسبات میان دو کشور از وجود ارتباطات دیرپای دو کشور حکایت می‌کند. با نگاهی گذرا به تاریخ روابط ایران و ترکیه، به ویژه از سده نوزدهم به این سو، همانندی‌های زیادی در مناسبات میان دو جامعه می‌توان یافت که اوج آن در مناسبات فرهنگی میان دو کشور و مردمانش و تأثیر متقابلی که بر یکدیگر داشته‌اند، قابل مشاهده است.

چهارمین دهه از سده نوزدهم میلادی که برابر است با سال‌های نخستین نیمه دوم سده سیزدهم هجری، یکی از دوران‌های مهم تاریخ عثمانی است. با بر تخت نشستن سلطان عبدالمجید در سال ۱۲۵۵ ق. / ۱۸۳۹ م. صدراعظم اصلاح طلب او، مصطفی رشید پاشا، سلطان را به صدور فرمان تنظیمات یا همان «خط شریف گلخانه» تشویق کرد. اگر چه بسیاری از پژوهشگران ۲۵ شعبان ۱۲۵۵ ق. / ۳ دسامبر ۱۸۳۹ م. را که روز اعلان فرمان تنظیمات است را آغاز اصلاحات در عثمانی دانسته‌اند (تنظیمات، ۲۰۱۲، ۱۳)، اما باید توجه داشت که دوره اصلاحات نوین عثمانی در سال‌های پایانی پادشاهی سلطان محمود دوم ۱۲۵۵-۱۲۲۳ ق. / ۱۸۳۹-۱۸۰۸ م، آغاز شد و در حقیقت شالوده اصلاحات بعدی را که در دوره تنظیمات دنبال شد، او پی‌ریزی کرد (شاو، ۱۳۷۰: ۷).

تنظیمات هر چه بود و یا هر هدفی که داشت، سرانجام نتایج روشن و موفقیت‌آمیزی به بار آورد و در آینده کشور عثمانی - و ایجاد ساختار ترکیه نوین - نقش مثبتی ایفا کرد و در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و شکل‌گیری نهادهای مدنی و دگرگونی نظام آموزش و پرورش دستاوردهای پربراری داشت. تنظیمات یک حادثه بزرگ و رویدادی فرخنده بود (اینالچیق، ۲۰۱۲، ۵۳).

اصلاحات یک ضرورت تاریخی بود؛ امپراتوری عثمانی در یک وابستگی اقتصادی به سر می‌برد و روز به روز تمامی منابع قدرت خود را در حال از دست رفتن می‌دید و تاریخ با ضرورتی بزرگ در حال پیشروی بود و تنها نتیجهٔ مقدر این بود که امپراتوری دیر یا زود از بین خواهد رفت (اینالجیق، ۲۰۱۲: ۵۳).

همان‌گونه که اشاره شد با آغاز دورهٔ تنظیمات دگرگونی‌های چشمگیری نیز در عرصهٔ فرهنگی نمایان شد و در همین دوران شاهد تأثیرپذیری متقابل ایرانیان و عثمانی‌ها از یکدیگر در حوزه‌های گوناگون به ویژه در حوزهٔ فرهنگی هستیم. در این دوران روزنامه و روزنامه‌نگاری رواج یافت و چون ساده نویسی و همه فهم‌تر شدن نوشته‌های روزنامه‌ها برای مردم یکی از اهداف دست‌اندرکاران نشریات بود، پاره‌ای از واژگان و ترکیبات فارسی مورد توجه روزنامه‌نگاران قرار گرفت و به روزنامه‌ها راه یافت (ریاحی، ۱۳۹۰: ۲۴۰).

روزنامه‌نگاران ترک با توجه به گنجینهٔ عظیم واژگان فارسی و پیشینهٔ نفوذ آن در آناتولی، ترکیبات جدیدی با استفاده از واژگان فارسی، عربی و فارسی و یا فارسی و ترکی ساخته و آن‌ها را به کار بردند. ترکیباتی مانند: خسته‌خانه (بیمارستان)، ساحل‌خانه (ویلا)، ساحلی، درس‌خانه (کلاس درس)، اجزاخانه (داروخانه)، باسمه‌خانه (چاپخانه)، دفترخانه، توپخانه (ریاحی، همان: ۲۴۰-۱۴۱) و بسیاری واژگان دیگر.<sup>۱</sup>

اما این موضوعات، همهٔ تاریخ روابط میان دو کشور در آن مقطع را در بر نمی‌گیرد و زوایای دیگری نیز در ارتباط میان ایران و عثمانی وجود دارد و آن تأثیر پذیرفتن پیشروان تجدد در ایران از دگرگونی‌های عثمانی و به طور مشخص در دورهٔ تنظیمات و پس از آن است. کسانی چون میرزا محمدتقی خان امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان ناظم الدوله که به دنبال اصلاحات و تجدد گرایی بودند، در اجرای برنامه‌های خود و در پیشبرد اهداف و عملی کردن اندیشه‌های شان، نگاهی به دگرگونی‌های عثمانی در دوران

<sup>۱</sup> دامنهٔ این بحث بسیار گسترده و مفصل است و چون پرداختن به آن ما را از هدف اصلی دور خواهد کرد به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

تنظیمات داشته‌اند که موضوع اصلی این نوشتار است و در ادامه به چگونگی تأثیرپذیری هر یک از این سه شخصیت برجسته دوره قاجاریه از تنظیمات خواهیم پرداخت.

### ۱. میرزا تقی خان امیرکبیر<sup>۱</sup>

بدون تردید میرزا تقی خان امیرکبیر یکی از سیاستمداران بزرگ تاریخ ایران است که در دلسوزی اش نسبت به سرنوشت میهن و کوشش در راه آبادانی و اصلاح امور آن و ترقی، پیشرفت و ایجاد نهادهای آموزشی و مدنی نوین در ایران شکی نیست. او تا جایی که توانست تلاش کرد، اما دشمنان دانا و دوستان نادان کارهای او را برنتافته و در راه برکناری و مرگش کوشیدند و سرانجام توانستند او را از میان بردارند.

محمدتقی فراهانی، پسر کربلایی محمد قربان، در سال ۱۳۲۲ ق. یا میان سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ ق. به دنیا آمد (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۱). کربلایی محمدقربان نخست به عنوان آشپز در خدمت میرزا عیسی قائم مقام (قائم مقام نخست) بود و پس از آن در دوران میرزا ابوالقاسم قائم مقام (قائم مقام دوم) پسر میرزا عیسی، ناظر آشپزخانه او شد. (همان، ۵) او در دستگاه قائم مقام‌ها خیلی زود رشد کرد و بنا بر هوش و فراستی که داشت مورد توجه قرار گرفت و قائم مقام، آموزگار فرزندان خویش را مأمور آموزش میرزا تقی خان نیز کرد و پس از مدتی هم میرزا تقی خان را مأمور محاسبه فیل خانه (سرطویله) خود قرار داد. (اقبال آشتیانی، ۱۳۴۰: ۶).

پس از چندی قائم مقام دوم، امیر را که مورد اعتماد وی بود، نزد میرزا محمدخان زنگنه امیرنظام فرستاد و امیر در آنجا سمت لشکرنویسی داشت و چندی بعد به منشیگری رسید. (همان، ۹)

<sup>۱</sup> چون خوانندگان آشنا و علاقه‌مند به این گونه مباحث آشنایی کافی با زندگانی افراد مورد نظر را در این نوشتار دارند، بنابراین در اینجا تنها به شرحی کوتاه و فشرده از زندگی این سه تن اکتفا کرده و از پرداختن به همه رویدادهای زندگی آنان خودداری می‌کنیم.

به دنبال رویداد قتل گریبایدوف، دولت ایران برای جلوگیری از آغاز دوباره درگیری با روسیه هیئتی را به آنجا روانه کرد. در این هیئت که در سال ۱۲۴۴ ق. از سوی عباس میرزا به خاک روسیه فرستاده شده بود، خسرو میرزا پسر هفتم او، میرزا محمدتقی فراهانی و چند تن دیگر حضور داشتند. (همان، ۱۵)

پس از بازگشت از این سفر امیر به القاب «میرزا» و «خان» دست یافت. او یک بار دیگر در سال ۱۲۵۳ ق. در کنار ناصرالدین میرزای ۷ ساله ولیعهد به ایروان رفت و در اوج کلیسا ملاقاتی میان نمایندگان ایران با تزار نیکلا، امپراتور روس انجام پذیرفت. (آدمیت، همان : ۳۴/اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۳ : ۱۶۴۰-۱۶۳۹)

تا اینکه سفر امیر به ارزنة الروم پیش آمد و او برای رفع اختلافات میان ایران و عثمانی به آن سامان مسافرت کرد که از اواخر سال ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۳ ق. به درازا کشید و امیرکبیر طی فرمانی از سوی محمدشاه با رتبه سرتیپی به همراه ۲۰۰ تن از نظامیان و سیاستمداران ایرانی به ارزنة الروم رفت و پس از پشت سر گذاشتن حوادث ناخوشایند به نحو احسن موفق به انجام مأموریت خود شد و پس از فراز و نشیب‌های بسیاری دومین معاهده ارزنة الروم را میان ایران و عثمانی در ۹ ماده تهیه نمود و در ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ ق. امضاء کرد و سپس به ایران بازگشت. (آدمیت، همان، ۴۵-۵۱)

اقدام امیر در ارزنة الروم مورد توجه محمدشاه واقع شد و او پس از این سفر به خدمت ولیعهد در تبریز در آمد و در سال ۱۲۶۴ ق. پس از مرگ محمدشاه، مأمور تهیه مقدمات ورود ولیعهد به تهران شد و در میان راه شاه جدید او را از وزیر نظامی به امیرنظامی ملقب ساخت. (اقبال آشتیانی، همان، ۹۹)

در تهران نیز ناصرالدین شاه قاجار او را به صدراعظمی منصوب کرد و امیر به طور رسمی از سال ۱۲۶۴ ق. صدراعظم ایران شد.

امیرکبیر پس از یک دوره ۴ ساله وزارت که با کاردانی و لیاقت و انجام خدمات و اقداماتی مؤثر در دگرگونی‌های ساختار کهنه ایران همراه بود، در سال ۱۲۶۸ ق. از وزارت

عزل و به دنبال آن از تمام مناصب و مشاغل خود محروم و به کاشان تبعید شد و در ۱۸ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق. در حمام فین کاشان به قتل رسید. (بامداد، ۱۳۷۱، ج اول : ۲۱۷)

### امیر و تنظیمات عثمانی

اقامت افزون بر چهار سال امیر در ارزنة‌الروم که میان سال‌های ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۳ ق. بود، زمان بسیار مناسبی فراهم آورد تا وی با دگرگونی‌های آنجا از نزدیک آشنا شود. چرا که زمان ورود امیر به خاک عثمانی برابر بود با پنجمین سال صدور فرمان تنظیمات که در سال ۱۲۵۴ ق. / ۱۸۳۹ م. از سوی مصطفی رشید پاشا، صدراعظم سلطان عبدالمجید اعلان شده بود.

اساساً امیر در روابط با عثمانی پیرو سیاست حسن همجواری بود و به همین دلیل همواره برای کاستن تنش‌ها و از میان بردن اختلافات دو کشور تلاش می‌کرد. امیرکبیر که در مدت زمان اقامت خود در شهر تبریز زبان ترکی را آموخته بود، هنگام حضور خود در عثمانی آن را کامل کرد و در آنجا می‌توانست به زبان ترکی استانبولی بدون مترجم با عثمانی‌ها گفتگو کند. همان‌جا بود که با تنظیمات و اصلاحات محمدعلی پاشا، خدیو مصر آشنا شد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۱۵۸). امیرکبیر که زمان حضورش در عثمانی و سپس صدارتش در ایران برابر با صدارت مصطفی رشید پاشا در عثمانی بود، او را می‌شناخت و با یکدیگر نامه نگاری داشتند. (همان، ۱۸۲)

اگر چه آدمیت در اثر خود - که در نوع خود یکی از کامل‌ترین پژوهش‌ها درباره امیر کبیر است - برآنست تا بگوید که دگرگونی‌های عصر تنظیمات از جهاتی در میرزاتقی خان اثر داشته است (۱۳۴۸ : ۱۸۲)، اما به جزئیات آشنایی امیر با تنظیمات اشاره‌ای نکرده و بیشترین تأثیرات در امیر را ناشی از بازدید او از مؤسسات و نهادهای فرهنگی، صنعتی و مالی روسیه دانسته است (آدمیت، ۱۳۳۴ : ۲۶-۳۳). اما این نافی تأثیر پذیری امیر از تنظیمات نیست و در این‌باره شواهدی در دست است که نشان می‌دهد امیر کبیر با دگرگونی‌های تجددگرایانه عثمانی‌ها و اصلاحات در آنجا از سال‌های پیش‌تر آشنا بوده است.

نخستین کسی که به تأثیرپذیری امیر کبیر از تنظیمات اشاره کرده است، تاریخ‌نگار انگلیسی رابرت گرانت واتسن (۱۸۶۶ : ۳۶۵) است که در حد یک اشاره به موضوع اکتفا کرده است.

این موضوع جای بررسی و پژوهش بیشتری دارد که ما را به نتایج روشن‌تر و دقیق‌تری می‌رساند و در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

با آغاز تنظیمات در عثمانی، لغاتی از زبان فارسی برای ساختن مفاهیم جدیدی که در حوزه‌های سیاسی، اداری، قضایی و فرهنگی کاربرد داشت، مورد استفاده قرار گرفت. سپس تجددگرایان ایرانی و از آن میان میرزا تقی‌خان امیر کبیر از پاره‌ای از همان اصطلاحات سودجسته و افزون بر آن از دیگر اصطلاحاتی که از عربی به ترکی راه یافته بود، مانند: دارالفنون، مجلس ملی، مجلس مؤسسان، صدراعظم، عدلیه، نظمی، دیوان تمیز، سفیر کبیر و مستشار استفاده کردند. (ریاحی، ۱۳۹۰ : ۲۴۲)

اما در باره واژه «تنظیمات» که عربی و جمع واژه «تنظیم» است، باید گفت که این واژه را عثمانی‌ها از زبان عربی گرفته و به کار برده‌اند و همین واژه از زبان ترکی عثمانی به زبان فارسی راه یافت و مورد استفاده کسانی چون میرزا تقی‌خان امیر کبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله و حتی میرزا فتحعلی آخوندزاده قرار گرفت و مراد همه آنان از این واژه، همان نظم بخشیدن، سروسامان دادن به امور و ایجاد دگرگونی و تحول در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه بود.

در سال ۱۲۶۳ ق. / ۱۸۴۶ م. در عثمانی دارالفنون تأسیس گردید، اما به دلایلی دنباله کار گرفته نشد (رئیس‌نیا، ۱۳۸۵، ج ۱ : ۳۷) و برپایی آن به سال‌های بعدی موکول شد.

میرزاتقی‌خان امیر کبیر که تأسیس دارالفنون از نتایج کارهای سودمند او برای کشور بود، چند سال پیش‌تر از مرگ خویش به فکر برپایی آن افتاد، اما در نهایت تأسف و تأثر، او افتتاح و آغاز به کار این بنا را مشاهده نکرد. چرا که در باغ فین کاشان - قتلگاه خود - و در

تبعید به سر می‌برد. دارالفنون روز یکشنبه پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ م. سیزده روز قبل از مرگ بنیانگذار آن افتتاح شد. (یغمایی، ۱۳۵۴: ۷۱)

به نوشته پاره‌ای از پژوهشگران، امیرکبیر در انتخاب نام این مرکز به احتمال زیاد از همان نام دارالفنون عثمانی سود برده است. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج اول: ۲۵۷) عبدالحسین نوایی نیز احتمال داده است که خبر احداث دارالفنون عثمانی در اقدامات امیر بی‌تأثیر نبوده است.

افزون بر این، نشانه‌های دیگری دال بر این که امیر در پیشبرد اصلاحات خود نیم‌نگاهی به دگرگونی‌های عصر تنظیمات در عثمانی داشته است، نیز وجود دارد. از شواهد و قرائن چنین پیداست که در نام‌گذاری «روزنامه وقایع اتفاقیه» از نام روزنامه رسمی «تقویم وقایع» استانبول و «وقایع مصریه» چاپ قاهره که آن هنگام از مستملکات عثمانی به شمار می‌آمد، اقتباس شده باشد. (محیط طباطبایی، ۱۳۶۲: ۲۶)

همچنین در انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه نیز در بخش اخبار خارجی از روزنامه‌های چاپ خارج ایران استفاده می‌شده است و روزنامه‌های چاپ استانبول، پاریس و لندن از روزنامه‌هایی بود که به دست تهیه‌کنندگان روزنامه وقایع اتفاقیه می‌رسیده است. (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷: ۳)

در روزنامه‌های چاپ ایران، نخست برای «مقاله» که نوعی از نوشتار است از واژه «آرتیکل» article فرانسوی استفاده می‌شد. اما بعدها از واژه عربی «مقاله» که آن را از مطبوعات چاپ عثمانی گرفته بودند، استفاده شد. (پروین، ۱۳۷۰: ۲۹)

روزنامه‌های فرانسوی، انگلیسی، روسی و ترکی برای درباریان و نمایندگان سیاسی ایران فرستاده می‌شد و ناصرالدین شاه خود با اشتیاق به ترجمه آن‌ها گوش می‌کرد. (همان، ۱۳۴)

از این‌ها گذشته در بسیاری از اقدامات و کارهای امیر در دگرگون کردن بنیادهای کهنه و ناکارآمد پاره‌ای مناسبات رایج در جامعه و از میان بردن آن‌ها، با آنچه که در پیش



از دوران تنظیمات در عثمانی و یا در دوران تنظیمات اعلان و در جهت اجرای آن حرکت شد همانندی‌هایی وجود دارد.

ترجمه کتاب از زبان‌های دیگر به فارسی یکی از این دل‌مشغولی‌های امیر بود که او را حتی در ارزنة الروم هم آسوده نمی‌گذاشت. امیر هنگام اقامت خود در آنجا، ژان داودخان مسیحی را که در ارزنة الروم می‌زیست، مأمور کرد تا جدیدترین کتاب جغرافیای عالم را به ترکی ترجمه کند و میرزا محمدحسین فراهانی دبیرالملک نیز آن را از ترکی به فارسی ترجمه کرد. (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۶۵)

ترویج ساده‌نویسی و عدم استفاده از القاب و عناوین در نوشته‌ها و فرمان‌ها، مبارزه با رشوه‌خواری و براندازی آن که پیش‌تر و در سال ۱۲۶۵ ق. / ۱۸۴۹ م. در عثمانی اقدام به این کار شد، از دیگر کارهای امیر کبیر بود که با توجه به آنچه که در عثمانی روی داده بود، انجام پذیرفت.

از دیگر کارهای امیر کبیر کاستن از نفوذ آن دسته از روحانیون بود که مواضع و اقداماتشان می‌توانست دستاویز بیگانگان برای دخالت در امور داخلی ایران قرار گیرد. اظهاراتش در این زمینه به کنسول انگلیس، حاکی از آن است که امیر کبیر در اتخاذ این سیاست به دگرگونی‌های عثمانی در دوران تنظیمات کاملاً توجه داشت، به ویژه آن که یک سال پیش از اعلان فرمان تنظیمات، در سال ۱۲۵۳ ق. / ۱۸۳۸ م. قانون جزا برای مأموران و علما در عثمانی به تصویب رسیده بود (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۸۶).

به روشنی پیداست که در این زمینه امیر کبیر به دگرگونی‌های عثمانی در دوران تنظیمات کاملاً توجه داشت، چرا که خود صریحاً آن را بیان کرده است و افزون بر آن، یک سال پیش از اعلان فرمان تنظیمات، در سال ۱۲۵۳ ق. / ۱۸۳۸ م. قانون جزا برای مأموران و علما در عثمانی به تصویب رسیده بود.

با جستجوی بیشتر در منابع و مآخذ و بررسی اسناد و مدارک موجود در آرشیوها و بایگانی‌های دو کشور ایران و ترکیه به یقین به شواهد دیگری در زمینه مورد بحث می‌توان دست یافت.

## ۲. میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله)

میرزا حسین خان سپهسالار یکی دیگر از دولتمردان کاردان و لایق ایران بود که همانند امیر کبیر در اصلاح، آبادانی و پیشرفت ایران بسیار کوشید. میرزا حسین خان سپهسالار در سال ۱۲۴۳ ق. زاده شد. پدرش میرزا نبی‌خان امیر دیوان قزوینی، دو پسرش - میرزا حسین‌خان و یحیی‌خان - را برای تحصیل به اروپا فرستاد (بامداد، ۱۳۷۱، ۴۰۶). میرزا حسین‌خان پس از بازگشت از آنجا با پشتکار و علاقه‌مندی به فراگیری زبان و دانش، زمینه‌های رشد خود را فراهم ساخت و مورد توجه قرار گرفت. او زبان فرانسه را به نسبت خوب می‌دانست، با انگلیسی آشنایی داشت و به ترکی استانبولی مسلط بود. (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۲۷)

با تصمیم امیرکبیر مبنی بر فرستادن میرزا حسین‌خان به کنسول‌گری بمبئی در هندوستان، خدمات دولتی او آغاز شد (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۲۶) و از سال ۱۲۶۶-۱۲۶۷ ق. تا ۱۲۶۹ ق. کار پرداز اول ژنرال کنسول (سرکنسول) ایران در بمبئی بود (بامداد، همان، ۴۱۱). میرزا حسین‌خان در سال ۱۲۷۵ ق. به وزیر مختاری ایران در استانبول رسید و در سال ۱۲۸۰ ق. که برای گزارش به ایران آمد، به عضویت دارالشورای کبری نیز منصوب شد و در سال ۱۲۸۲ ق. ملقب به مشیرالدوله گردید (همان‌جا).

میرزا حسین‌خان در سال ۱۲۸۵ ق. از درجه وزیر مختاری به رتبه سفیری ارتقاء یافت و مدت ۱۲ سال در عثمانی ماند (همان‌جا / خان ملک ساسانی، ۱۳۴۵ : ۲۴۰). زمان اقامت او در خاک عثمانی مصادف با بر سرکار بودن عالی‌پاشا و فؤادپاشا بود. (خان ملک ساسانی، ۱۳۳۸، ۶۰)

بیشتر وزرای عثمانی با میرزا حسین خان در تماس بودند و با او دوستی داشتند و میرزا حسین خان هم میهمانی‌های مفصل می‌داد و از آنان پذیرایی‌های شایانی کرد (همان، ۶۷). با فؤاد پاشا، عالی پاشا و منیف پاشا دوستی نزدیک داشت. (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۲۷)

اگر چه آدمیت در یکی از آثار خود نوشته است که توقف ۱۲ ساله میرزا حسین خان سپهسالار در استانبول و دوستی او با عالی‌پاشا و دیگر وزرای عثمانی در افکار میرزا حسین خان به طور مستقیم تأثیر داشته است، (آدمیت، ۱۳۴۰، ۵۸) اما در یکی دیگر از آثارش، نظر خویش در باره تأثیرپذیری میرزا حسین خان سپهسالار از تنظیمات در عثمانی را تنها تا حد «آشنایی بصیرانه» او با این دگرگونی‌ها تقلیل داده است. (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۲۷)

روشن نیست که در مدت ۱۱ سالی که از انتشار «فکر آزادی» تا انتشار «اندیشه ترقی» در سال ۱۳۵۱ گذشته است، چه اتفاقی رخ داد و یا چه اسناد و مدارکی به دست آدمیت رسید که طبق آن‌ها او مجبور به تعدیل داوری نخستین خود شده است. آدمیت در این زمینه و باز هم در رد دیدگاه‌های کسانی چون اعتمادالسلطنه و سیدحسن تقی‌زاده که میرزا حسین خان سپهسالار را در اجرای اصلاحاتش تأثیر پذیرفته از تنظیمات عثمانی و کسانی چون مصطفی عالی پاشا، فؤاد پاشا و به ویژه مدحت پاشا دانسته، می‌نویسد: او چون در جوانی در فرانسه بوده، از همان هنگام تحت تأثیر مدنیت اروپا قرار گرفت (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۵۳)، اما بی‌درنگ در دنباله می‌افزاید: «از لحاظ تجربه عملی البته از اصلاحات عصر تنظیمات متأثر گشت». (همانجا)

آدمیت ادامه می‌دهد «اینکه عثمانی از ایران خیلی جلو افتاده و تحرک تنظیمات بیشتر از اصلاحات عصر سپهسالار بود، مبحثی است به کلی جدا. اما آن رأی غلط است که سرچشمه تفکر سیاسی مشیرالدوله تنظیمات عثمانی بود، یا از مشاهدات در آنجا به تمدن غربی اعتقاد یافته بود. برعکس ... اندیشه ترقی‌خواهی او ریشه مستقیم غربی داشت و جهت کلی تفکر سیاسی او فرانسوی بود.» (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۵۷)

اما با توجه به شواهد موجود، آشنایی میرزا حسین خان با تنظیمات از یک آشنایی بصیرانه فراتر رفته و در اجرای سیاست‌های اصلاح‌گرانه خویش که به نوعی ادامه دهنده راه امیرکبیر بود، تأثیر چشم‌گیری از تنظیمات عثمانی گرفته است و نوشته‌های خود آدمیت در این باره گواهی بر درستی این موضوع است.

مأموریت‌های سیاسی میرزا حسین خان در هندوستان، قفقاز و عثمانی باعث شد تا او با دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی آن سرزمین‌ها آشنایی ژرفی پیدا کند. او در عثمانی با مردان تجددگرای آن سامان که مصادف با عصر تنظیمات بود، تماس داشت و با شور و شوق بسیاری گزارش‌هایی در باره کارهای اصلاحی آنان به وزارت امور خارجه ایران می‌فرستاد. انتصاب افراد غیر مسلمان به مقام‌های دولتی را که یکی از دستاوردهای فرمان گلخانه بود، برپایی مجلس شورای دولت و تأسیس مکتب سلطانی را که بعدها به «غلطه سرای لیسه سی» تغییر نام یافت و همچنین کشیدن خط راه‌آهن میان اسکندرون و بصره را ستایش می‌کرد. (الگار، ۱۳۶۹، ۷۰)

میرزا حسین خان سپهسالار در ایجاد روابط دوستانه میان ایران و عثمانی و تحکیم آن بسیار کوشید. او از نزدیک دگرگونی‌های عثمانی را زیر نظر داشت و در گزارش‌های خود به مرکز به آن‌ها اشاره می‌کرد. در یکی از گزارش‌های او آمده است: دولت عثمانی به روزنامه‌ها آزادی داده که آن‌ها نسبت به سیاست دولت انتقاد کنند و تبعه عثمانی با آگاهی از وضعیت سیاسی دولت‌های خارجی خواهان تأسیس مجلس هستند. (آدمیت، ۲۵۳۶، ۱۳۲)

تحت تأثیر همین دیده‌ها بود که او نوشته‌های روزنامه‌های ایران را که در آن‌ها از رویدادهای بزرگ و مهم دنیا چیزی نوشته نمی‌شد و مردم از آن بی‌خبر بودند «اسباب مسخره» دانسته و می‌نویسد که از مقایسه مطالب روزنامه‌های ایران با روزنامه‌های اسلامبول به جز از آنکه خاطرش کدر شود، هیچ بهره‌ای نصیب او نمی‌شود (همان، ۳۸۷). هم از این روست که یکی از دغدغه‌های اصلی او برپایی و تأسیس روزنامه‌هایی بود که بی‌پرده، به زبانی ساده و با

نگرشی انتقادی با مردم سخن گفته و حقایق را بازتاب دهند. او خود بنیانگذار چهار روزنامه مستقل «وقایع عدلیه»، «نظامی»، «مریخ» و «وطن» بود. (آدمیت، ۲۵۳۶، ۳۸۷)

وی در همراهی با اصرار فرنگی در اجرای اصلاحات عثمانی در گزارشی گفته است: «... مقصود این است که این اصرار دول فرنگستان در اصلاحات عثمانی، بالاخره موجب خیر این دولت و ملت خواهد گردید.» (همان، ۱۳۴) و باز در گزارش دیگری از سرعت اجرای اصلاحات دولت عثمانی که با همه گرفتاری‌های داخلی و خارجی آن را پیش می‌برد و باعث شگفتی دولت‌های اروپایی شده است، سخن به میان می‌آورد (همان، ۱۳۶). میرزا حسین خان در گزارشی دیگر که شرحی از چاپ قوانین موضوعه و انتشار نقشه آینده کار دولت عثمانی را می‌دهد، آرزو می‌کند که: «چقدر خوب می‌شد که این قاعده حسنه در دولت علیه ایران هم جاری می‌گردید.» (همان، ۱۴۲)

آیا همه این‌ها تنها در چارچوب یک گزارش است که آدمیت نوشته: «مشیرالدوله، گزارشگر تحولات عثمانی که می‌خواست دولت را به اصلاحات برانگیزاند، پیشرفت‌های همسایه رقیب را به رخ بزرگان ایران می‌کشید شاید منفعل گردند و عبرت آموزند.» (همان سبب این کج اندیشی گشته که برخی او را مقلد عثمانیان پندارند.)» (همان، ۱۳۸).

شکی نیست که کسی در حد و اندازه‌های میرزا حسین خان سپهسالار که درباره مشاهدات خویش از روند اصلاحات در کشور حوزه مأموریت خود می‌نویسد: «چقدر خوب می‌شد که این قاعده حسنه در دولت ایران هم جاری می‌گردید»: نه تنها یک گزارشگر و یا یک تهیه‌کننده نیست که خود یک دوستدار و علاقه‌مند است و چون در آینده به صدارت برسد، آرزوهایش را جامه تحقق خواهد پوشاند. همین گونه نیز می‌شود و میرزا حسین خان سپهسالار که با صدر اعظم شدن میدان عمل گسترده‌تری به دست می‌آورد، در اجرا و پیشبرد اندیشه‌های اصلاح‌گرا، دگرگونی‌های عصر تنظیمات در عثمانی و پس از آن را فراموش نمی‌کند.

با توجه به آنچه گذشت، در این که میرزا حسین خان سپهسالار در پیشبرد اصلاحات خود و برنامه‌هایی که به منظور دگرگون کردن ساختارهای کهنه جامعه ایران داشته است،

تحت تأثیر تنظیمات عثمانی بود، تردیدی نیست و این تأثیر بسیار فراتر از آن است که آدمیت در کمرنگ ساختن و کم جلوه نشان دادنش تلاش کرده است.

### ۳. میرزا ملکم خان ناظم الدوله

میرزا ملکم خان پسر میرزا یعقوب از ارامنه جلفای اصفهان در سال ۱۲۴۹ ق. در اصفهان به دنیا آمد. پدرش در شمار ارمنیانی بود که به آئین اسلام گرویده بودند (بامداد، ۱۳۷۱، ۱۳۹). خود ملکم نیز نخست به دین اسلام گرویده و پس از چندی دیگر بار به آئین مسیحیت بازگشته بود. در سال ۱۲۵۹ ق. ملکم توسط پدرش به پاریس فرستاده شد تا به تحصیل بپردازد. او در فرانسه مهندسی آموخت و در کنار آن اصول فلسفه سیاسی هم خواند و آنگاه که تحصیلاتش به پایان رسید به ایران بازگشت و نخستین خط تلگراف را در ایران دایر کرد (همانجا).

میرزا ملکم خان در سال ۱۲۷۲ ق. مترجم وزارت امور خارجه شد و پس از آن نیز لقب "اتا مازور" گرفت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۳۱۲). سپس در سال ۱۲۷۳ ق. به همراه فرخ خان امین‌الملک کاشی به اروپا سفر کرد و در همین سفر بود که وارد فراموش‌خانه شد و پس از بازگشت به ایران با گرفتن اجازه از ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۴ ق. در تهران فراموش‌خانه دایر کرد. (بامداد، همان، ۱۴۱/رائین، ۱۳۴۷، ۴۸۹)

ناصرالدین شاه که پس از چندی نسبت به فعالیت فراموش‌خانه بدگمان شده بود، فرمان برچیده شدن بساط ملکم و پدرش میرزا یعقوب را صادر کرد و بدین ترتیب ملکم مورد خشم و غضب شاه قرار گرفت (همانجا). او که به همراه پدرش از ایران گریخت، نخست به خانقین رفت و از آنجا خود را به استانبول رساند و به دیدار میرزا حسین خان سپهسالار رفت. (خان ملک ساسانی، ۱۳۳۸، ۱۲۸)

با یاری میرزا حسین خان سپهسالار، ملکم به مستشاری سفارت ایران در استانبول رسید. اقامت دراز مدت ملکم در استانبول برای او فرصتی به وجود آورد تا از نزدیک با

دگرگونی‌های پس از فرمان تنظیمات در آنجا آشنا شود، کارهای اصلاح‌گرانه عثمانی‌ها را ببیند و از پاره‌ای از آن‌ها ایده بگیرد. پس از آنکه سپهسالار در سال ۱۲۸۸ ق. به صدراعظمی ایران رسید، ملکم را از استانبول خواست و به سمت مستشار صدارت منصوب کرد. (بامداد، همان، ۱۴۴)

مشیرالدوله نسبت به میرزا ملکم‌خان نظر مساعدی داشت، اما چون به واسطه پیشینه خود در ارتباط با فراموشخانه مورد سوءظن دوباره قرار گرفت، به نمایندگی ایران در لندن فرستاده شد. ملکم در سال ۱۲۸۹ ق. لقب ناظم‌الملک (بامداد، همان) و یا نظام‌الملک (سلیمانی، ۱۳۷۹، ۱۸۹) را گرفت.

میرزا ملکم‌خان از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۰۷ ق. به مدت هیجده سال وزیر مختار ایران در لندن بود (بامداد، همان، ۱۴۵) تا اینکه در دوره صدارت میرزا علی‌اصغرخان از سمت خود برکنار شد. او در سال ۱۳۰۶ ق. هنگام سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، امتیاز لاتاری را در ایران برای مدت ۷۵ سال گرفت. پس از بازگشت شاه به ایران روحانیون با این امتیاز به مخالفت برخاستند تا اینکه این امتیاز را ملغی و تلگرافی آن را به ملکم اعلام کرد. (همان، ۱۴۹-۱۴۸)

ملکم پس از عزل در سال ۱۳۰۷ ق. از ایران به لندن رفت و در آنجا با سید جمال‌الدین اسدآبادی همخانه شد. آن دو به انتشار روزنامه‌های قانون و عروه الوثقی پرداختند (همان، ۱۵۲). پس از آن ملکم بر اساس جوهر اندیشه‌های خود که گرایش به نوآوری و دگرگون ساختن ساختارهای پوسیده و کهنه سیاسی و اداری ایران بود، با تکیه بر «قانون» و «آدمیت» به تبلیغ و ترویج آراء و اندیشه‌های خود در روزنامه قانون دست زد و یک تنه به مخالفت با حکومت برخاست.

درباره ملکم و پاره‌ای از اقدامات او مانند دست داشتنش در انعقاد قرارداد رویترو فروش امتیاز لاتاری که در آن تقلب کرد، در منابع و مآخذ اشاراتی وجود دارد و اسناد و مدارک نیز بر درستی آن گواهند.

میرزا ملکم‌خان در مدت زمان حضور و اقامت خود در خاک عثمانی با دگرگونی‌های عصر تنظیمات آشنا شد و تحت تأثیر آن قرار گرفت. نخستین موردی که می‌توان به آن اشاره کرد، نام‌گذاری پاره‌ای از رسالات اوست که به یقین با توجه به تنظیمات در عثمانی و با اقتباس آشکار از آن صورت پذیرفته است. میرزا ملکم‌خان دو رساله خود را «دفتر تنظیمات (کتابچه غیبی)» و «مجلس تنظیمات» نام نهاده است (میرزا ملکم‌خان، ۱۳۸۸، ۲۳ و ۷۲). منظور او نیز از تنظیمات، نظم بخشیدن و سامان دادن به امور سیاسی، نظامی، اجتماعی و اداری کشور است.

او افزون بر این نام‌گذاری، بارها از واژه «تنظیمات» چه به تنهایی و چه در ترکیباتی چون «دفتر تنظیمات»، «دستگاه تنظیمات»، «قوانین تنظیمات»، «مجلس تنظیمات»، «تنظیمات خارجه» و «تنظیمات دول فرنگ» استفاده کرده است.

میرزا ملکم‌خان هنگامی که در باره اهمیت روزنامه سخن می‌گوید، می‌نویسد: «روزنامه سرچشمه تنظیمات دنیاست.» (قانون، نمره چهارم، غره شوال ۱۳۰۷، ۱). در جای دیگر وی در باره نقش تنظیمات در اصلاح رفتارهای دیپلمات‌ها می‌نویسد: «سفارت‌ها و قونسولخانه‌های دولت به موجب تنظیمات تازه از تعدی تبعه مستغنی و با اعتبار و ملزومات شایسته مستحفظ شأن و حارس حقوق ملت خواهند شد» (قانون، نمره سی و چهارم، ۳). کاملاً روشن است که میرزا ملکم‌خان واژه تنظیمات را عیناً از عثمانی‌ها گرفته و آن را به کار بسته است.

با مروری بر دیگر آثار میرزا ملکم‌خان به خوبی در می‌یابیم که دایره تأثیرپذیری میرزا ملکم‌خان از تنظیمات عثمانی فراتر از اقتباس از یک نام‌گذاری است و اساساً در رایه پیشنهادات خویش در اصلاح امور جامعه ایران در دوره قاجاریه و تکیه بر قانون و اجرای آن نیز به تنظیمات عثمانی‌ها توجه داشته است.



او در جایی که درباره آگاهی پاره‌ای از ملل مختلف از قانون سخن می‌راند، چنین نوشته است: «در هند در پاریس در تفلیس در مصر در اسلامبول حتی در میان ترکمن هر کس می‌داند که حقوق و وظایف او چیست» (قانون، نمره اول، ۱).

البته روشن است که در زمان مورد نظر میرزا ملکم‌خان، قرار دادن ترکمن‌ها و گرجی‌ها در ردیف مردمانی که حقوق و وظایف خود را می‌دانند، چندان درست به نظر نمی‌رسد و به هیچ وجه نباید میزان آگاهی از قانون و آشنایی با حقوق و وظایف این مردمان و حتی مصری‌ها و عثمانی‌ها را که تازه در ابتدای راه بودند با دیگر ملل یکی دانست. میرزا ملکم‌خان در اینجا با یک بزرگ‌نمایی آشکار می‌خواهد بر این نکته پای بفشارد که همه ملل جهان نسبت به حقوق و وظایف خود آگاه هستند به جز ایرانیان.

ملکم باز هم با توجه به دگرگونی‌هایی که در عثمانی در جریان بود، قانون‌مداری پادشاه وقت آنجا را ستوده و نوشته است که: «اسم سلطان حمید خان پادشاه عثمانی تا ابد به نیک نامی باقی خواهد ماند زیرا که از همان روز جلوس اهمیت قانون را بهتر از جمیع وزرای عثمانی درک فرمود.» (قانون، نمره سیم، ۲).

وی در یکی از شماره‌های روزنامه قانون در پاسخ به پرسش یک نفر از اهالی تبریز که مدعی بی‌قانونی در عثمانی شده است، ضمن پاسخ به او نه تنها با دلیل بر وجود قانون و اجرای آن در همه حال برای همه کس به شکل یکسان پای می‌فشارد، نسبت به وضعیت بی‌قانونی در ایران حسرت خورده و در مقام مقایسه وضع ایران با عثمانی می‌نویسد: «وضع قوانین و ترتیب عدالت‌خانه‌های این دولت [عثمانی] را چه طور می‌توان نسبت داد بان هرج و مرج مهیب که ایران را ذلیل‌ترین گروه دنیا ساخته است.» (قانون، نمره شانزدهم، ۲). او در ادامه می‌نویسد: «پس عوض اینکه اوضاع عثمانی را عذر بی‌قانونی ایران قرار بدهیم باید غرق شرمساری بشویم که آن دولت با اینکه نسبت به ما خیلی جدید است باز تبعه خود را تا به این درجه بهره‌یاب امنیت قانونی ساخته است. و ما که سه هزار سال از دول بزرگ محسوب می‌شویم امروز بجز میل و سفاقت اسافل ناس قانون دیگری نداریم.» (همانجا)

به هنگام گفتگو از لزوم برقراری نظم در عثمانی و دشواری‌های پیش روی مجریان می‌نویسد: «وقتی سلطان محمد در خیال انتظام دولت عثمانی بود، ینی‌چری‌ها در خیال حبس او بودند». (میرزا ملکم‌خان، ۱۳۸۸، ۲۴) او به این وسیله به دولتیان ایران می‌فهماند که در راه اصلاحات موانع و دشواری‌های سختی پیش روی آنان است که نباید از آن‌ها هراسی به دل راه دهند. ملکم تأکید می‌کند که: «اقتلا از حالت دولت عثمانی عبرت بگیرید... نفرمایید که حالت ما ورای حالت عثمانی است، دولت ایران در مقابل هجوم استیلای فرنگ از دولت عثمانی هیچ فرقی ندارد». (ملکم خان ناظم‌الدوله، ۱۳۸۸، ۱۰۰-۱۰۱) او باز به دولتمردان ایرانی هشدار می‌دهد که توان ایستادگی در برابر امواج برآمده از دگرگونی‌ها در کشورهای اروپایی را نخواهند داشت و در این زمینه وضعیت آنان با عثمانی‌ها تفاوتی ندارد.

ملکم در انتقاد از شیوه‌های مجازات وزرای مجرم و مقصر در ایران و آنچه که در عثمانی پس از تنظیمات جاری شده است، نوشته: «چندی قبل عزل وزرای عثمانی عبارت بود از قتل فوری یا ذلت مطلق، حال عزت و اطمینان وزرای آن دولت را با تزلزل حالت خود تطبیق کنید و ببینید چه نوع ذلت‌های ناگزیر را بر چه نوع عزت مدامی ترجیح داده‌اید؟» (همان، ۱۳۰).

میرزا ملکم خان در رساله «مذاکره در باره تشکیل بانک» خود که در آن به ارائه راه کارهایی در باره مسائل اقتصادی و بانکداری توجه داشته است، «قرار نامه بانک دولت عثمانی» را الگو قرار داده است.

در زمینه مورد بحث، نمونه‌های دیگری وجود دارد که از اشاره به آن‌ها خودداری می‌کنیم. اما همین اندازه هم که در این باره گفته شد، به روشنی بیانگر این موضوع است که میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله با دگرگونی‌های عثمانی در دوره تنظیمات و پس از آن آشنایی کافی داشته است و در ارائه آرا و اندیشه‌های نوجویانه خویش بر تنظیمات و دگرگونی‌های پس از آن در عثمانی تکیه زده است.

برای اثبات مدعای تأثیر تنظیمات در عثمانی بر فکر و اندیشه این سه سیاستمدار ایرانی همین میزان از شواهد موجود کافی است. اما با جستجوی بیشتر در اسناد و مدارک برجای مانده و دیگر نوشته‌های موجود در آرشیوها به حتم و یقین به داده‌های دیگری هم می‌توان دست یافت.

### نتیجه‌گیری

از آنچه که در باره این سه سیاستمدار ایرانی گفته شد، روشن می‌شود که این افراد به ویژه میرزاتقی خان امیرکبیر و میرزا حسن خان سپهسالار، که آدمیت تأثیر پذیری آنان از تنظیمات و دگرگونی‌های پس از آن را ناچیز شمرده است، در مدت زمان اقامت خود در عثمانی از نزدیک با دگرگونی‌های آنجا که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در حال اجرا بود، آشنا شده و در خاطرشان حک گردیده بود.

تأثیر دگرگونی‌های روسیه بر امیر به هنگام سفر او به آن کشور و بازدیدش از مؤسسات فرهنگی و تمدنی جدید و صنایع گوناگون در آنجا و تأثیرپذیری میرزا حسین خان سپهسالار از تمدن اروپا و به ویژه فرانسه موضوعی نیست که بشود آن را نادیده گرفت، اما برجسته کردن آن‌ها به میزانی که آدمیت بر آن پای فشرده و تقریباً تأثیرپذیری آنان از عثمانی را هیچ دانسته است، با داده‌های موجود همخوانی ندارد.

آدمیت در آثار خود در باره امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار در برابر تأثیرپذیری آنان از تنظیمات در عثمانی دوگونه برخورد کرده است که به آن اشاره شد. این‌طور به نظر می‌رسد که او در نوشته‌های خود از سویی در برابر عثمانی‌ها موضع‌گیری کرده و آنان را سد راه فرهنگ و تمدن دانسته است و از سوی دیگر با حس رقابتی که در امیر نسبت به عثمانی‌ها وجود داشته است، چندان تمایلی به پرداختن بیشتر و دقیق‌تر در این موضوع را از خود نشان نداده است.

---

اما نکته‌ای را که نباید فراموش کرد، این است که عثمانی‌ها خود ابداع کننده این دگرگونی‌ها نبوده‌اند و منشأ تحولات کشورشان اروپایی‌ها بودند که در حقیقت نقش پلی را در انتقال این موضوع ایفا کردند.

## منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۳۴) *امیر کبیر و ایران*، تهران: امیر کبیر.
- (۲۵۳۵) *امیر کبیر و ایران*، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.
- (۲۵۳۶) *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، چاپ دوم، تهران: خوارزمی.
- (۱۳۴۰) *فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت*، تهران: انتشارات سخن.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) *تاریخ منتظم ناصری*، جلد ۳، به تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۴۰) *میرزا تقی خان امیر کبیر*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الگار، حامد (۱۳۶۹) *میرزا ملکم خان*، ترجمه: جهانگیر عظیمیا و مجید تفرشی، تهران [بی جا].
- بامداد، مهدی (۱۳۷۱) *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*، چاپ چهارم، تهران: زوار.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷) *تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان*، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- خان ملک ساسانی، احمد (۱۳۴۵) *یادبودهای سفارت*، تهران [بی جا].
- (۱۳۳۸) *سیاست‌گذاران دوره قاجار*، ج اول، تهران [بی جا].
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۸۵) *ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم*، جلد اول، تهران: مبنا و ستوده.
- ریاحی، محمدمبین (۱۳۹۰) *زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی*، چاپ دوم، تهران [بی جا].
- شاو، استانفورد. جی و شاو، ازل کورال (۱۳۷۰) *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید ۱۹۷۵-۱۸۰۸*، ج ۱، ترجمه: محمود رمضان زاده، مشهد: آستان قدس.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۷۰) *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۲) *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: بعثت.
- نوائی، عبدالحسین (۱۳۶۹) *ایران و جهان از قاجاریه تا پایان عهد ناصری*، جلد ۲، تهران: نشر هما.
- یغمایی، اقبال (۱۳۵۴) "بنای دارالفنون" در: *امیر کبیر و دارالفنون*، به کوشش: قدرت الله روشنی زعفرانلو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

Watson, Robert Grant (1866) **A history of Persian from the beginning of the nineteenth century to the year 1858**, London.

Inalcik Halil, Seyitdanlioglu (2013) **tanzimat, decisim surecinde osmanli imparatorlugu**, Istanbul.

Inalcik Halil (2013) **tanzimat nedir, in tanzimat ...**, istanbul.

#### روزنامه‌ها

وقایع اتفاقیه، نمره ۳۷، پنجشنبه ۲۰ ذیحجه ۱۲۶۷.

قانون، نمره اول، غره رجب ۱۳۰۷.

---، نمره سوم، رمضان المبارک ۱۳۹۷.

---، نمره چهارم، غره شوال ۱۳۰۷.

---، نمره شانزدهم.

---، نمره سی و چهارم.